

فهرست نامه واژه‌های فارسی نشریه نشاء علم

عباس شکروی*

چندی پیش، از سوی سردبیر گرامی نشریه "نشاء علم" از من خواسته شد تا ویراستاری نوشتارهای فرستاده شده به دفتر نشریه را پس از پذیرش علمی، ویراستاری نمایم. این فرصتی بود برای من تا بتوانم نوشتارها را با به کارگیری واژه‌های فارسی، ویراستاری نمایم. در ویراستاری نوشتارها، این آگاهی را به دست آوردم که در بسیاری از نوشتارها واژه‌هایی که ریشه‌های ژرف در زبان‌های گوناگون دیگر فرهنگ‌ها دارند، بدون هیچگونه بازنگری به کار گرفته می‌شوند، در حالی که به جای آن واژه‌ها، در زبان پارسی واژه‌های زیبا و دلنشی بسیار گسترده ای داریم. به زبان مولانا؛ سالها دل طلب جام جم از ما می کرد، آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد. بدین ترتیب، تصمیم گرفتم که واژه‌های فارسی را با واژه‌های غیر فارسی جایگزین نمایم و فهرست آنها را به شرح زیر به آگاهی نویسندگان نشریه نشاء علم برسانم و از همه نویسندگان درخواست نمایم که واژه‌های فارسی مورد نظر خود را به آگاهی دفتر مجله "نشاء علم" برسانند تا در آینده نزدیک فهرستی از واژه‌های پیشنهادی به صورت یک کتابچه برای نویسندگان فارسی زبان چاپ شود. فهرست واژه‌های فارسی پیشنهاد شده، در واژه نامه‌هایی مانند " لغت نامه دهخدا " و " لغت نامه معین " آمده است. از آنها که بگذریم، به اندازه ای واژه‌های ژرف پارسی در ادبیات فارسی جلوه گری می نمایند که در بسیاری از موارد نیاز نیست که ما واژه‌های بیگانه را در سخنرانی‌ها، نوشتارها، سرایش‌ها، روشنگری‌های دینی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی و... بکار گیریم.

امید دارم که نویسندگان گرامی دست کم این نمونه از واژه‌های فهرست شده در زیر را برای نگارش‌های خویش به کار گیرند و تلاش نمایند تا این فهرست را با به کارگیری واژه‌های فارسی، بهتر و گسترده تر نمایند. از همه اندیشمندان، پژوهشگران دانشگاهی و نویسندگان گرامی به ویژه زمینه ادبیات فارسی که با پیشنهادهای خود ما را در رسیدن به این هدف یاری می‌نمایند، از پیش سپاسگزاری می‌نمایم.

*استاد، تلفن: ۲۵۹۶۱۷۴ (+۹۸۹۱۲)، نشانی الکترونیکی: abbas_shockravi@yahoo.co.uk
۱. دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
آخر	پایان، سرانجام
آموزش محور	بر پایه آموزش
ابتدا	نخست
اتصال	پیوند
اتفاق	رخداد
اتمسفر	جو
اتومبیل	خودرو
احتمالاً	شاید
احتیاج	نیاز
ارتباط	پیوند
ارتفاع	بلندی
ارتقاء	بالا بردن، افزودن
از قبیل	مانند
از لحاظ	از نگاه، از دیدگاه
از منظر	از نگاه، از دیدگاه
از نظر	از نگاه، از دیدگاه
استحکام	پایداری
استراتژی	راهبرد
استفاده	به کارگیری
استفاده از	برخورداری از
اصلی	ریشه ای
اصول	ریشه ها، پایه ها
اطلاق می شود	گفته می شود
اعجاب انگیز	شگفت انگیز
اما	ولی
امتحان	آزمون

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
امکان	زمینه
امکان جدیدی	زمینه نوینی
امواج	پرتوها
امور جاریه	کارهای روزانه، کارهای روزمره
انتقال	جابجایی
انرژی محرکه	نیروی پیش برنده
انواع	گونه ها
اوائل	نخستین
اواخر	پایان
اولا	نخست آنکه
اولین	نخستین
ایجاد	راه اندازی
ایده	فکر، اندیشه
ایده های نو	اندیشه های تازه، اندیشه های نوین
این قبیل	این گونه
باب ظفرمندی	دروازه پیروزی
بحث	گفتگو
بدیهی	روشن، شفاف
بذل توجه	نگاه ویژه
بر اساس	بر پایه
بعد از	پس از
بعضاً	گاهی
بلا فاصله	بی درنگ
به راحتی	به آسانی
به سرعت	تند، با شتاب
به سهولت	به آسانی
به عرصه ظهور گذاشتند	پا به میدان گذاشتند

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
به عنوان	با هدف
به عنوان مثال	برای نمونه
به منظور	برای
به نحوی که	به گونه ای که، به شیوه ای که، به روشی که
به نظر می رسد	شاید
به هر حال	از این رو
به... اشاره کردن	از... یاد کردن
بی بدیل	بی همتا
بی رحمانه	سنگدلانه
بی ضرر	بدون زیان
بی نظم	نابسامان
پتانسیل	توانایی
پژوهش محور	بر پایه پژوهش
پمپ	مکنده
تئوری	نظریه، فرضیه
تا به حال	تا کنون
تجهیزات	ساز و برگ
تحت	زیر
تحقق یافتن	برآورده شدن
تحقیقات	پژوهش ها
تخریب	زوال، ویرانی
تدوین	گردآوری
ترکیبات	ترکیب ها
تسریع کننده	شتاب دهنده
تسهیل	آسان شدن، آسان کردن
تسهیلات	ساز و برگ
تشابهات	همسانی ها

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
تشویق	دلگرم کردن
تصور غاط	دیدگاه نا درست
تعداد	شمار
تعدادی	شماری
تغییر	دگرگونی
تقلیل یافتن	کاهش یافتن
تکنولوژی	فناوری
تکنیک	روش
تلفی شود	خوانده شود
تمایل	گرایش
تمایل داشتن	گرایش داشتن
تنظیم می شود	هماهنگ می شود
توزیع	پخش
توسعه	پیشرفت، گسترش
ثالثا	سوم آنکه
ثانیا	دوم آنکه
ثروت	دارائی
جدید	نوین، تازه
حائز	دارای
حاصل می شود	به دست می آید
حاصله	به دست آمده
حاضر	کنونی
حد	مرز
حداقل	دست کم
حدود	نزدیک به
حدودا	نزدیک به
حرارت سنج	دما سنج

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
حرارتی	گرمایی
حضور	بودن
حفاظت	نگهبانی
حفظ	نگهداری
حمایت	پشتیبانی
حیوان	جاندار، جانور
خاصیت	ویژگی
ختم کلام	پایان سخن
خطا	اشتباه
خواص	ویژگی ها
داخل	درون
در ادامه	به دنبال
در این مقوله	در این باره
در حوالی	نزدیک به
در حین	در جریان
در عین حال	در همان سان
در غیاب	در نبود
در قالب	در چارچوب
در قبال	در برابر
در مجموع	رویهرفته
در مدت قریب...سال	نزدیک به...سال
در مقابل	در برابر
در نهایت	سرانجام
درجه حرارت	دما
درمقابل	دربرابر
دوما"	دوم آنکه
ذکر شده	گفته شده

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
ذکر کردن	یاد آوری کردن
رابعا"	چهارم آنکه
راندمان	بازده
رژیم غذایی	برنامه غذایی
سؤال	پرسش
سایز	اندازه
سنتز	ساخت
سوء استفاده	به کار گیری بد
سوما"	سوم آنکه
سیستم	سامانه
سیستماتیک	سامان یافته
شامل	دربر گیرنده
شرائط	زمینه ها
شروع	آغاز
شغل	کار، پیشه
صادق	راستگو
صادق است	درست است
صدمه	آسیب
صرفاً	تنها
ضمن عبور	در روند گذشتن، در جریان گذشتن
طبقه بندی	دسته بندی
طرز کار	روش کار
طریق	راه
ظالمانه	ستمگرانه، بیداد گرانه
ظاهرا	آنسان که پیداست
عاری از	بدون
عالی	والا

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
عالی رتبه	با جایگاه بالا
عایق	نارسانا
عبور	گذشتن
عدد	شماره
عدم حضور	نبود
عدم نیاز	بی نیاز
عرصه	زمینه
عظیم	بزرگ
عقیده	باور
علاقه	دلبستگی
علاوه بر آن	افزون بر آن
علی رغم	با وجود
عمدتاً	بیشتر
عمل ویژه	کاربرد ویژه
عموماً	بیشتر
عمیق	ژرف
غذا	خوراک
غیرقابل تصور	باور نکردنی
فرمت	چارچوب
فعال	پویا، واکنش پذیر
فعالیت	تلاش، تکاپو، کوشش، پویائی
فقط	تنها
فیبر	الیاف، لیف
قابل انجام	شدنی
قابل تامل	درنگ کردنی
قابل توجه	چشمگیر
قابل حصول	دست یافتنی

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
قابل قبول	پذیرفتنی
قابلیت	توانایی
قبلاً	در گذشته، پیش از این
قبلی	پیشین
کثیف	آلوده
کمپرسور	دمنده
کمیابی	کاستی
کنترل کردن	مهار کردن
لذا	بنابراین
لذیذ	خوشمزه
مؤسسات تحقیقاتی	سازمان های پژوهشی
ماکزیمم	بیشترین
مبانی	ریشه ، پایه
متجاوز از	بیش از
متضمن	زمینه ساز
متعدد	بی شمار، زیاد
متنوع	گوناگون
متوسط	میانگین
مثال	نمونه
مثل	مانند
مثل	داستان
مثلا	برای نمونه
مجدد	دوباره
مجزاً	جدا
مجموعاً	در جمع
محتاج	نیازمند
محتوی	درونمایه، خمیرمایه

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
محدوده	گستره
محقق شدن	بر آورده شدن
محکم	پایدار، سخت
مراحل	روند
مرتب شده بر حسب	آورده شده به ترتیب
مرتبط با	درباره
مزایا	برتری ها
مساعی	تلاش ها، کوشش ها
مستقل	خود کفا
مشاهده کردن	دیدن
مشتقات	مشتق ها
مشخصات	ویژگی ها
مشهور	بنام، نامدار
مطالعه	بررسی
مطلوب	دلخواه
معرف	نشانگر، بیانگر
معرفی	شناسائی
معرفی شد	شناسانده شد
مقاله	نوشتار
مقاوم	پایدار، سخت
مقاوم به	پایدار در برابر
مقدمه	پیش گفتار، سرآغاز
مقررات	آئین نامه
مقیاس	اندازه
ملزومات	ساز و برگ ها
ممانعت	جلوگیری، دوری
مندرج در	آورده شده در

واژه های غیر فارسی	نزدیکترین واژه های فارسی
منظم	بسامان
مواجه شدن	روبرو شدن
موج	پرتو
موسس	پایه گذار، بنیان گذار
مولد	زاینده
میسر کردن	فراهم کردن
مینیمم	کمترین
نامنظم	نابسامان
نتایج	دستاوردها
نحوه	شیوه
نسبتاً	به نسبت
نشاط	شادی، شادمانی
نظارت	وارسی، بازبینی، بازرسی
نظام مند	سازمان یافته
نظم	سامان
نقاط ضعف	کاستی ها
نو ظهور	تازه
وسیع	گسترده
هدایت الکتریکی	رسانائی الکتریکی
همتراز	همانند